

آمار جرائم در سال ۹۹

جرائم خشن و سرقت به العنف در سال گذشته در کشور کاهش یافته اما آمار قتل در سال ۹۹ نسبت به سال ۹۸ اندکی افزایش داشته است.



افزایش سرقت خرد توسط معتادان رها شده از کمپ ها

۵۴ هزار زندانی

آزاد شده یا ترخیص شده از زندان ها آزادی و مرخصی زندانیان به علت کرونا در دسر آنچنانی ایجاد نکرده است



کاهش جرائم خشن و سرقت به العنف

منبع: ایمن

ورودی ۹۹ زندان ها را مجرمان بدون سابقه تشکیل می دهند

۸۰%

گزارش

آرمان ملی - امید کاجیان: انتخابات در ایران همیشه با چالش هایی روبه رو بوده است؛ چالش هایی که روز به روز به رغم گذر زمان نه تنها همچنان باقی هستند بلکه هر بار قوانین نانوشته ای بر آن اضافه می شود. از دیرباز تا امروز همواره بسیاری در این باره که آیا راهی برای عبور از نظارت استصوابی هست یا نه سخن می گفتند؛ موضوعی که جواب دقیق و روشنی برای آن یافت نشد. رد صلاحیت های برخی کاندیداها به قوت خود باقی ماند و حتی بعضا با شدت بیشتری روبه رو شده است. اصلاح طلبان در این شرایط چند رویکرد متفاوت را در پیش گرفته اند. دسته اول کسانی هستند که معتقدند باید در هر شرایطی در انتخابات حضور یافت؛ حتی اگر دیگر کاندیدایی برای اصلاحات باقی نمانده باشد. این جریان یا باید ائتلاف کند یا با کاندیداهای درجه ۳ و ۴ وارد عرصه انتخابات شود تا از حضور تندروها در انتخابات مجلس یا ریاست جمهوری جلوگیری کند؛ یک استراتژی که شاید تا سال ۹۶ جواب می داد. امروز در آستانه انتخابات ریاست جمهوری، کناره گیری کاندیدای اصلی اصلاح طلبان این بار خیلی پیشتر از هر اقدامی صورت گرفت؛ موضوعی که این سوال را مطرح می کند که این سیاست و به اصطلاح استراتژی اصلاحات درباره حضور در انتخابات با هر شرایطی تا کجا باید ادامه پیدا کند؟ و آیا این راه حل است؟ امروز نامزدی سید حسن خمینی، که بسیاری از اصلاح طلبان به آن دلخوش کرده بودند، بنابه توصیه ها منع شده است و اصلا کار به رد صلاحیت نرسید. از سویی قانون اصلاح انتخابات

مسیر انتخابات در ایران تا کجا پیش می رود؟

اصلاح طلبان در شرایط دشوارتر

امتیاز رد صلاحیت هم دیگر نیست

اگر چه اصلاح طلبان در تمام این سال ها به نحوه بررسی صلاحیت ها تا حدی انتقاد داشتند، اما خود نیز می دانند همیشه برای جذب رای مردمی، از همین منظر هم به عنوان یک امتیاز به سود خود بهره می جویند؛ امتیازی که با آن در این دوران رای هم آوردند. اصلاح طلبان در واقعیت مدیون برخی رد صلاحیت ها و ممنوع تصویر ی ها بودند، آنها با کمک همین موضوع، مردمی را به سوی خویش کشاندند تا در انتخابات مختلف این سال ها به آنها رای دهند، مردم نیز تا مدت ها راهکار انتقاد عملی خود را به نهاد قدرت با رای به اصلاح طلبان نشان دادند. این موضوع اما از سال ۹۶ به بعد که با شعار هایی چون «اصلاح طلب اصولگرا دیگه تموم ماجرا» همراه شد به مرور شکل و شمایل متفاوت تری به خود گرفت. عملکرد جریان اصلاح طلب و شخص خاتمی البته در حوادثی مثل دی ۹۶، آبان ۹۸ و... نیز مزید بر علت شده است. اتفاقات این دو سه ساله و اوج شرایط بحران های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی هم باعث شده بخش قابل توجهی از اوضاع کنونی به پای اصلاح طلبان نوشته شود و به همین دلیل آنها از همیشه

این صورت نه، نوعی امتیاز خواهی؛ که البته تاریخ و تجربه نشان داده معمولا نمره ای هم ندارد، چرا که این موضوع را به منزله کوتاه آمدن تلقی می کنند. در این میان هستند تعداد معدودی از کسانی که می گویند با این رویه نمی توان ادامه داد به نوعی اصلاح شود یا حتی کنار رود تا گزینه های بیشتری حق حضور در انتخابات را داشته باشند، اکنون خود را عملا با سدهایی به مراتب دشوار تر از قبل روبه رو می بینند و البته روش های تازه تر. در چنین شرایطی باز هم عده ای می گویند باید تحت هر شرایطی در انتخابات شرکت کرد تا از حضور تندروها جلوگیری کرد؛ این تنها بهانه این جریان برای حضور در انتخابات است. اما آیا برای مردمی که به اصلاح طلبان رای می دادند در شرایط کنونی دیگر فرقی بین تندرو و معتدل است؟ دسته دیگر جریان چپ عملا در این شرایط همواره موضوع انتخابات مشروط را مطرح می کردند؛ یعنی اینکه شرکت یا عدم شرکت در انتخابات بستگی به این دارد که کدام یک از نامزدهای مورد نظر آنها می توانند از فیلتر بگذرند و اگر کاندیداهای اصلاحا استخوان دار فرصت حضور در انتخابات را یافتند پس اصلاح طلبان در انتخابات حضور بیابند و در غیر

بیشتر در محاق قرار بگیرند تا جایی که این روزها موضوع رد صلاحیت ها یا توصیه ها به نیامدن کاندیدای اصلاح طلبان و... این جریان را دیگر در جایگاه مظلوم قرار ندهد و مردم کاری به اینکه چه کسی نامزد شده و چه کسی رد صلاحیت می شود، نداشته باشند. با این اوصاف متفاوت اکنون باید دید آیا جریان اصلاح طلب باز هم می خواهد به این مساله دامن بزند و همچنان مانند ۹۸ عمل کند یا از سویی با حداقل ها وارد عرصه انتخابات شده و یک شکست دیگر را متحمل شوند؟ از تمام این موارد گذشته، آیا این مسیر و این استراتژی انتخاباتی اصلاح طلبان عایدی جز بغرنج تر شدن اوضاع انتخاباتی خواهد داشت؟ و هنوز هم اصلاح طلبان با شعار هایی مانند بهبود در اوضاع نظارت استصوابی یا از این دست حرف ها می توانند مردم را به آینده ای بهتر حواله دهند؟ در حالی که نه تنها در حوزه نظارت های استصوابی کاری از پیش نبردند؛ بلکه اکنون با قانون جدید انتخابات ریاست جمهوری از سویی و توصیه ها از سوی دیگر عملا خود را با فضایی محدود تر از همیشه روبه رو می بینند. آیا قرار است اصلاح طلبان باز هم همین روند را ادامه دهند و به امید همان روش ناشی از رد صلاحیت ها به رای مردم دل ببندند؟ آن هم در شرایطی که با عدم اقبال مردم روبه رو هستند؛ به نحوی که حتی با جدی ترین نامزدها و کاندیداهای اصلی خود نیز اگر به عرصه بیایند شانس برای موفقیت نخواهند داشت؟ در چنین شرایطی تکلیف چیست؟ به نظر می آید هیچ زمانی به این حد اصلاح طلبان در عرصه انتخابات آچمز نبوده اند.